

**A Review of the United States Pivot to Asia Policy
from 2011 to 2024 (with an Emphasis on Security Objectives)**Bahadur Aminian Jezi ¹| Mohammad Ali seddighi ²**Abstract**

The United States pivot to Asia, announced in a 2011 paper by Secretary of State Hillary Clinton, represents a strategic shift in US foreign policy that emphasizes the growing economic, political, and security importance of the Indo-Pacific region. The policy is designed to balance power against China and enhance global security. This analysis examines key initiatives such as military reorganization, expanding defense cooperation with allies, and engaging in multilateral security frameworks. It also assesses the challenges of maintaining regional stability, managing maritime disputes, and countering non-traditional threats. This article examines the implementation of this policy under successive US administrations, its successes and limitations in an era of great power competition, and emphasizes its security objectives in the midst of changing global power dynamics and the emergence of China as a regional hegemon. The pivot to Asia plays a key role in America's adaptation to the geopolitical changes of the 21st century. In this study, using a descriptive-analytical research method, the context and components of this policy are examined. Finally, it should be noted that this policy, if implemented, will have a great impact on the position and behavior of the United States in the West Asian region, as well as its strategies towards the Islamic Republic.

Keywords: The United States; Security; China; Balance of Power.

1. Associate Professor of International Relations, Department of International Relations, School of International Relations, Ministry of Foreign Affairs, Tehran, Iran. E-mail: bahaminian@hotmail.com
2. Corresponding Author, Master's degree in International Relations, School of International Relations, Ministry of Foreign Affairs, Tehran, Iran. E-mail: mohammadaliseddighy@gmail.com





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۲/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۲/۲۹

شابا چاپی: ۲۵۳۸-۱۸۵۷

الکترونیکی: ۳۶۴۵-۵۲۵۰

بررسی سیاست چرخش به آسیای ایالات متحده آمریکا (با تأکید بر اهداف امنیتی)

بهادر امینیان^۱ | محمد علی صدیقی^۲

چکیده

سیاست "چرخش به آسیا" یا گردش به شرق ایالات متحده که در سال ۲۰۱۱ در مقاله هیلاری کلینتون وزیر خارجه وقت اعلام شد، نشان دهنده یک تغییر استراتژیک در سیاست خارجی آمریکا است که بر اهمیت روزافزون اقتصاد، سیاست و امنیت منطقه هند و اقیانوس آرام تأکید دارد. در تئوری، این سیاست بر مبنای موازنه قوا باهدف رسیدگی به چالش‌ها و فرصت‌های ناشی از ظهور چین و نقش محوری منطقه در امنیت جهانی است. این مقاله مروری جامع از این سیاست ارائه می‌کند و بر اهداف امنیتی آن در بحبوحه تغییر پویایی قدرت جهانی و ظهور چین به‌عنوان یک هژمون منطقه‌ای تأکید می‌کند. این تحلیل به بررسی ابتکارات کلیدی، از جمله تجدید سازمان نظامی، گسترش همکاری دفاعی با متحدان و افزایش تعامل در چارچوب‌های امنیتی چندجانبه مانند آسه آن می‌پردازد. همچنین چالش‌های حفظ ثبات منطقه‌ای، مدیریت اختلافات دریایی و مقابله با تهدیدات امنیتی غیرمستقیم را ارزیابی می‌کند. این مقاله با بررسی اجرای این سیاست در دولت‌های متوالی ایالات متحده، موفقیت‌ها، محدودیت‌ها و ارتباط آن را در دوران رقابت قدرت‌های بزرگ نشان می‌دهد. این بررسی بینش‌های مهمی را در مورد نقش امنیت در شکل‌دادن به اهداف گسترده‌تر چرخش به آسیا و پیامدهای آن برای موقعیت استراتژیک ایالات متحده در منطقه هند و اقیانوس آرام ارائه می‌دهد. چرخش به سمت آسیا یکی از جنبه‌های مهم سیاست خارجی ایالات متحده است که برای انطباق با چشم‌انداز ژئوپلیتیکی در حال تغییر قرن بیست و یکم تکامل می‌یابد. در این پژوهش با بهره‌گیری از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی به بررسی زمینه‌ها و اجزای این سیاست پرداخته می‌شود.

کلیدواژه‌ها: ایالات متحده، امنیت، چرخش، چین، موازنه قوا

۱. دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده روابط بین‌الملل، وزارت امور خارجه، تهران، ایران.

E-mail: bahaminian@hotmail.com

۲. نویسنده مسئول، دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشکده روابط بین‌الملل، وزارت امور خارجه، تهران، ایران.

E-mail: mohammadaliseddighy@gmail.com



© نویسندگان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- مقدمه

پس از روی کار آمدن اوپاما در ژانویه ۲۰۰۹، مقامات دولت، بازگشت ایالات متحده به آسیا را اعلام کردند. این بیانیه با سفرهای مکرر مقامات ارشد به منطقه حمایت شد و دغدغه‌های ایالات متحده را افزایش داد. شرکت در نشست‌های چندجانبه منطقه‌ای که به تصمیم برای امضای معاهده اتحادیه کشورهای جنوب شرقی آسیا (ASEAN^۱) و شرکت در اجلاس سران آسیای شرقی (EAS^۲) در سطح سران کشورها ختم می‌شود. تعادل مجدد استراتژیک در آسیا که در نوامبر ۲۰۱۱ اعلام شد، برای تعمیق و نهادینه کردن تعهد ایالات متحده به منطقه آسیا - اقیانوسیه است.

رشد سریع آسیا و پویایی اقتصادی، وزن اقتصادی و استراتژیک منطقه را به شدت گسترش داده و اهمیت آن را برای منافع ایالات متحده افزایش داده است. این تحول مورد استقبال متخصصان آسیایی آمریکا قرار گرفته است که مدت‌هاست از سرمایه‌گذاری بیشتر در منابع و توجه سیاست‌گذاران سطح بالای ایالات متحده حمایت کرده‌اند. مقامات ارشد دولت اوپاما بر این باور بودند که جنگ علیه تروریسم و تعهدات نظامی ایالات متحده در عراق و افغانستان، ردپای نامتوازن جهانی را ایجاد کرده است. سیاست‌های ایالات متحده در خاورمیانه وزن بیشتری نسبت به آسیا و اقیانوسیه داشت. هدف از عبارت تعادل مجدد در آسیا برای برجسته کردن اولویت بیشتر منطقه در سیاست جهانی ایالات متحده بود. منطقه آسیا - اقیانوسیه در واقع یکی از مراکز تکنولوژی و فناوری، بازارهای عظیم مصرف کالا و خدمات و تمرکز سرمایه در قرن بیست و یکم است (Zarei & Piltan, 2020).

منطقه استراتژیک آسیا - اقیانوسیه امروزه حول محور ایالات متحده و ایجاد تعادل مجدد در مقابل چین می‌چرخد. این چشم‌انداز منعکس‌کننده وضعیت پیچیده‌ای از وابستگی متقابل بین ایالات متحده، چین و متحدان آنها است. چین قبل از آغاز نوسازی نیروهای مسلح خود در مقابل ایالات متحده، در حال تقویت پایگاه اقتصادی خود است. محیط امنیتی آماده است تا وضعیت موجود را حفظ کند تا از تأثیرات مخرب بر منافع اقتصادی آنها جلوگیری کند و دولت‌ها تمایل دارند قدرت خود را به حداکثر برسانند. رشد چین نیز از این قاعده مستثنی نیست و انتظار نمی‌رود

1 Association of Southeast Asian Nations

2 East Asia Summit

که ظهور آن به عنوان رقیب آمریکا مسالمت آمیز باشد. این در نهایت خطوط آینده سیاست جهانی را به سمت مرحله دوم جنگ سرد چین محور، سوق خواهد داد؛ بنابراین، علی رغم وابستگی متقابل، به طور سنتی دولت - ملت ها به جستجوی دشمنان تمایل دارند و در نتیجه آنها را وادار می کنند تا منافع ملی خود را در مسیرهای ژئواستراتژیکی متنوع و سیال بازتعریف کنند (khan, Amin, 2015).

در ۱۹ اکتبر سال ۲۰۱۱، هیلاری کلinton وزیر خارجه ایالات متحده در مقاله خود که در نشریه فارن پالیسی منتشر شد، استراتژی چرخش به آسیا را مطرح کرد و از قرن بیست و یکم به عنوان قرن آسیا پاسیفیک یاد کرد. کلinton در مقاله خود اعلام کرد که ایالات متحده در آستانه پایان جنگ های خود در افغانستان و عراق و به دنبال خارج کردن نیروهای خود از این دو کشور است. طبق این مقاله، آمریکا برای حفظ منافع خود و جایگاهی که در حال حاضر به عنوان رهبری جهانی در روابط بین الملل دارد، باید در اولویت های خود در سیاست خارجی، ارزیابی و تجدیدنظر کند و زمان، منابع و تجهیزات بیشتری را به منطقه آسیا - پاسیفیک اختصاص دهد. وی در این مقاله عنوان کرد که تحرکات و کنترل رشد در آسیا از عناصر بنیادین سیاست خارجی باراک اوباما خواهد بود و تقویت و به روزرسانی ائتلاف ها و اتحادهای دوجانبه آمریکا با کشورهای آسیا پاسیفیک، تأکید بر همکاری های چندجانبه و ایجاد اتحادهای جدید همگی بخشی از راهبرد گردش به شرق یا چرخش به آسیایی هستند که کلinton آن را بیان کرد (Clinton, 2011).

پژوهش به دنبال آن است که به سؤالاتی پاسخ دهد که مشخص کند، ایالات متحده در سیاست چرخش به آسیای خود چه اهداف و انگیزه هایی داشته است و در این راه با چه ابعاد و زمینه هایی امنیتی روبه رو است و چه راهبردهایی را برای رسیدن به اهداف خود به کار خواهد بست. سؤالات پژوهش با این فرضیه مطرح شده است که ایالات متحده ضمن افزایش نفوذ و موقعیت خود در منطقه هند و اقیانوس آرام، به دنبال کنترل بازیگران و قدرت های بزرگی همچون چین و کره شمالی است. لازم به ذکر است که آمریکا این مسئله را نیز در نظر می گیرد که ضمن مهار نفوذ فزاینده چین بایستی روابط خود را با این کشور، کنترل و مدیریت نماید و رقابتی در عین همکاری را رقم بزند.

۲- ادبيات نظری (نظریه موازنه قدرت)

ریشه نظریه موازنه قدرت را باید در تاب نظریه سياست بين الملل كنت والتز، استاد علوم سياسی و روابط بين الملل جستجو کرد. والتز معتقد است سياست بين الملل در نظامی جاری است که آنارشی از شاخص های اصلی آن است؛ یعنی قدرت فراملی برای مدیریت و تنظيم ترتيبات وجود ندارد و قدرت، امنيت و منافع ملی اهداف اصلی آن است. اين نظریه فرض می کند که دولت - ملت ها تمايل دارند بجای راهبردهای مبتنی بر دنباله روی، رفتارهای خود را مبتنی بر موازنه اتخاذ نمایند. نظم آنارشیك واحدهایی که در نظام بين الملل به دنبال بقا باشند، دو پیش شرط اصلی است که والتز با اطمینان می گوید در صورت وقوع این دو سياست موازنه قدرت حکم فرما است (Waltz, 1979: 121_127).

لازم به ذکر است میان موازنه قدرت به عنوان یک استراتژی، و موازنه قدرت به مثابه نظام سياست بين الملل تفاوت هایی وجود دارد. در نظام موازنه قدرت بازیگران متعدد سياسی وجود دارند، عدم اقتدار مرکزی مشروع یا همان آنارشی، عناصر تشکیل دهنده قدرت به شکل نابرابر توزیع شده است. در نظام موازنه قدرت، تصمیم گیرندگان برای حل و فصل اختلافات از روش های صلح جویانه و مسالمت آمیز استفاده می کنند. به طور کلی در چهارچوب این نظام، صلح می تواند استقرار پیدا کند، اما در صورتی که توزیع قدرت نظامی به شکلی انجام شود که هیچ دولتی آن قدر قوی نباشد که بتواند سایر بازیگران را تحت سلطه خویش درآورد. جهت حفظ توزیع متوازن قدرت واقع گرایان قوانین و مقرراتی را در نظر می گیرند که می توان با استفاده از آن اتحادهای سیال را تشکیل داد (Ghavvam, 2021, pp. 102-105).

از دیدگاه هاس، زمانی که قدرت به شکل برابر در میان کشورها توزیع شود، موازنه حاصل می شود؛ مارتین وایت توضیح برابر قدرت را پایه موازنه قوا برشمرده و اضافه کرد که قدرت باید به شکلی برابر توزیع شود و این نه تنها شامل قدرت موجود بلکه هرگونه توزیع قدرتی که ممکن است؛ مورگنتا نیز در کتاب سياست میان ملت های خود در چهار معنای متفاوت موازنه قوا را

تشریح می‌کند که شامل: هر نوع توزیع قدرت، سیاست معطوف به وضعیتی خاص، توضیح تقریباً برابر قدرت و وضعیت بالفعل امور است (Sazmand, Azimi, & Nazari, 2010).

نتیجه‌ای آنکه موازنه قوا به معنای اقدام و تلاش آگاهانه جهت جلوگیری از برتری و تفوق دیگری است. به علاوه، موازنه قوا در معنای نوعی از نظام بین‌الملل، بر الگویی استوار است که از تعامل میان کشورها برای مهار یا محدود کردن تلاش برای هژمونی دلالت دارد. در نتیجه موازنه سازی راهبرد یک کشور جهت تغییر در موقعیت قدرت نسبی خود علیه کشور دیگر است. موازنه سازی انواع مختلفی که دارد؛ موازنه سازی مثبت به افزایش مستقیم ظرفیت‌ها از طریق موازنه سازی برون‌گرا مانند تأسیس اتحادها یا اعطای کمک‌های اقتصادی به شرکا و افزایش توانمندی‌های نظامی به شکل موازنه سازی درون‌گرا است. از طرف دیگر موازنه سازی منفی شامل استراتژی‌هایی است که با کاهش توانمندی‌ها و ظرفیت‌های قدرت دشمن مرتبط است. در این نوع از موازنه سازی تلاش می‌شود تا از شکل‌گیری اتحاد متخاصم جلوگیری شود و در صورت شکل‌گیری یک اتحاد متخاصم، سیاست‌های اتخاذ شود که به فروپاشی آن منجر شود (Dehghani Firouzabadi, 2019, pp. 222–225).

گروهی از محققان، موازنه قدرت را به صورت یک نظم غیررسمی و انعطاف‌پذیر میان دولت‌ها تلقی می‌کنند؛ در این نظام، قدرت‌های بزرگ استقلال عمل بیشتری دارند و از سلسله‌مراتب قدرتی که وجود دارد، رضایت دارند. در این شرایط این قدرت‌ها تلاش می‌کنند از تسلط هر بازیگر دیگری بر جهان جلوگیری و عمل آورند؛ قدرت‌های بزرگ علاوه بر جلوگیری از ظهور مرکزیت قوی، اصل حالت خارجی در نظام‌های داخلی خود نیز مصونیت به دست می‌آورند. اما باید توجه داشت در شرایطی که چند قدرت بزرگ بر جهان تسلط داشته باشند و همچنین با وقوع جنگ‌های بزرگ، انتظار آنکه نظام موازنه قدرت بتواند تنظیم‌کننده سیاست بین‌الملل باشد کمی دور از انتظار است (Ghavvam, 2021, pp. 102–103).

از آنجا که چین به جهت رشد سریعی که در عرصه اقتصادی دارد پیش‌بینی می‌شود به یک هژمون منطقه‌ای و به یک بازیگر مطرح تبدیل شود. افزایش قدرت چین با رشد توانمندی‌های این کشور در عرصه اقتصادی و تبدیل شدن به یک بازیگر نوظهور محقق خواهد شد. برابری نیروهای چینی در شرق آسیا، در میان‌مدت در آسیا و سرانجام در صحنه بین‌المللی این توانمندی را خواهد

داشت که جایگاه ایالات متحده را به عنوان ابرقدرت و کشوری که مسئولیت حفظ ثبات و امنیت و مدافع اصلی نظم که حاکم بر آن است را به چالش خواهد کشید. ایالات متحده به جهت جلوگیری از به هم خوردن توازن حاکم بر نظام بین الملل، سیاست موازنه قوا را در نظر خواهد داشت. به عبارتی توازن به سیاستی گفته می شود که برابرکننده است؛ این سیاست به جهت بهبود توانایی ها در پیاده سازی مأموریت های نظامی طراحی می گردد، تا بتواند به بازدارندگی یا شکست نظامی دیگر دولت ها منجر شود. توازن به سیاست آگاهانه ای گفته می شود که با توجه به محاسباتی که به شکل دقیق صورت گرفته است، انجام می شود و مهم ترین آن، حفظ بقا است. در اینجا بازیگری که دست به توازن می زند نه تنها از منافع خود، بلکه آن را به عنوان کالای عمومی به تمامی بازیگران سیستم عرضه می کند. آمریکا در به وجود آوردن توازن قدرت نقش کلیدی را ایفا می کند. از آنجا که آمریکا به عنوان قدرت برتر تحت چالش چین قرار می گیرد، انتظار رقابت و مناقشه میان این دو کشور قابل انتظار است؛ لذا ایالات متحده به سیستم توازن در جهت دفاع از منافع خود و نظام جهانی که کالای عمومی تلقی می شود متوسل خواهد شد. در حال حاضر اینکه واشینگتن برای مهار پکن و توازن در برابر چالش این کشور چه روشی را اتخاذ کند بسته به مسائل مختلفی از جمله شرایط بین المللی، موقعیت و پایگاه جهانی ایالات متحده، تصمیم گیرندگان و رهبران این کشور، وضعیت شرکا متحدان و در نهایت شرایط داخلی این کشور خواهد داشت (Dehshiar, 2021, pp. 294–296).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۳- پیشینه پژوهش

جدول ۱. پیشینه پژوهش

ردیف	نویسنده/ نویسندگان (سال پژوهش)	عنوان پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش
۱	محمد جمشیدی زکيه يزدان شناس (۱۴۰۰)	کتاب چرخش استراتژی آسیایی آمریکا و مهار چین	پس از توصیف استراتژی چرخش به آسیا، استراتژی چرخش به آسیا را به‌عنوان بازتابی از تحولات قدرت نسبی ایالات متحده و تغییر اولویت‌بندی‌های این کشور و تحول در ادراک سیاست‌گذاران آن درباره نقش آمریکا در نظام بین‌المللی است.
۲	کورت ام. کمپبل (۲۰۱۶)	چرخش: آینده دولت‌مداری آمریکایی در آسیا	دیدگاه خود را در مورد تعادل استراتژیک مجدد دولت اوباما در آسیا ارائه می‌دهد.
۳	دکتر محمدرضا دهشیری شاهین جوزانی کهن شایان جوزانی کهن (۱۳۹۸)	تحول سیاست خارجی آمریکا در آسیای شرقی در قرن بیست و یکم	بررسی اهمیت منطقه آسیای شرقی در اولویت‌های ایالات متحده و سپس سیاست خارجی سه رئیس‌جمهور آمریکا (بوش، اوباما و ترامپ) را در این منطقه تحلیل می‌کند.
۴	ریچارد مک گرگور (۲۰۱۷)	تسویه حساب آسیا: چین، ژاپن و سرنوشت قدرت ایالات متحده در قرن اکیانوس آرام	بررسی پیامدهای چرخش ایالات متحده به آسیا با تمرکز بر پویایی قدرت در حال تحول بین چین، ژاپن و ایالات متحده در منطقه، می‌پردازد.
۵	توماس جی کریستنسن (۲۰۱۵)	چالش چین: شکل‌دادن به انتخاب‌های یک قدرت در حال ظهور	به چالش‌های ناشی از ظهور چین و اینکه چگونه ایالات متحده باید در واکنش به نفوذ فزاینده چین، محور خود را به سمت آسیا حرکت دهد، می‌پردازد.

۴- روش‌شناسی پژوهش

این مطالعه از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی برای بررسی سیاست چرخش آسیایی ایالات متحده استفاده می‌کند. جنبه توصیفی شامل ارائه یک نمای کلی جامع از این سیاست است و مؤلفه تحلیلی آن بررسی پیامدهای آن را برای امنیت و ثبات استراتژیک در منطقه هند و اقیانوس آرام ارزیابی می‌کند. این مطالعه ماهیت کیفی دارد و بر رویکرد تفسیری برای ارزیابی چستی، اهداف و انگیزه‌ها و اجزای اصلی این سیاست تکیه دارد. داده‌های پژوهش حاضر حاصل بررسی و تجزیه و تحلیل اسناد و مدارک سیاسی رسمی دولتی مانند مقاله استراتژیک سال ۲۰۱۱ خانم کلینتون، استراتژی‌های امنیت ملی کاخ سفید و گزارش‌های وزارت دفاع و وزارت امور خارجه این کشور است. به علاوه تلاش شده است، از مقاله‌ها، گزارش‌های اندیشکده‌های معتبر و کتاب‌های علمی و منابع دانشگاهی که به تحلیل سیاست خارجی ایالات متحده در هند و اقیانوس آرام می‌پردازند، استفاده شود.

۵- سؤالات و فرضیه تحقیق

این پژوهش به چندین سؤال از جمله انگیزه و اهداف آمریکا از سیاست چرخش به آسیا یا گردش به شرق و اهداف این کشور در به کارگیری این استراتژی پاسخ می‌دهد. این پژوهش با این فرضیه پیش می‌رود که سیاست چرخش به آسیای آمریکا، چالش‌ها و پویایی قدرت جدیدی را در سطح جهانی ایجاد کرده است و این سیاست منجر به هم‌سویی مجدد اتحادها، تغییر اولویت‌های اقتصادی و تغییر ادراک امنیتی در منطقه شده است.

۶- یافته‌های پژوهش

۶-۱ انگیزه‌های ایالات متحده از سیاست چرخش به آسیا

ایالات متحده سیاست خارجی خود در قرن بیست و یکم را بر پایه یک استراتژی به نام چرخش به آسیا قرارداد. به طور کلی در اینجا منظور از چرخش به آسیا، منطقه شرق و جنوب آسیا

است؛ اما آمریکا در اظهارات خود منطقه بزرگ‌تر تحت عنوان آسیا - اقیانوس آرام یا هند - اقیانوس آرام را معرفی می‌کند. آمریکا در تلاش بود تا در دوران پس از جنگ جهانی دوم، نظم جهانی که برقرار می‌شود بر پایه لیبرالیسم و کاپیتالیسم باشد؛ در این راستا یکی از تلاش‌های عمده آمریکا جلوگیری از یک‌جانبه‌گرایی و موظف کردن خود به حمایت از هم‌پیمانان و متحدین خود در این منطقه است (Hemati, 2018, p. 99). در این راستا آمریکا مجموعه انگیزه‌هایی در سه دسته، منافع اقتصادی، نگرانی‌های امنیتی و استراتژی‌های ژئوپلیتیکی دارد که به آن پرداخته می‌شود.

۱-۱-۶ نگرانی‌های امنیتی

ایالات متحده با مجموعه‌ای از نگرانی‌های امنیتی در جنوب شرقی آسیا روبرو است که عمدتاً ناشی از رقابت‌های ژئوپلیتیکی، تروریسم و چالش‌های زیست‌محیطی است. برای رسیدگی مؤثر به این مسائل، ایالات متحده بر تقویت اتحادها، تقویت مشارکت‌های منطقه‌ای و ارتقای ثبات از طریق تعامل دیپلماتیک و نظامی متمرکز است.

۱-۱-۶-۱ تهدید هسته‌ای کره شمالی

کره شمالی به عنوان یک تهدید هسته‌ای برای شبه‌جزیره کره و منطقه جنوب شرقی آسیا و منطقه هند و اقیانوسیه مطرح شده است. توسعه مداوم تسلیحات هسته‌ای و قابلیت‌های موشکی این کشور، چالش‌هایی را برای امنیت منطقه‌ای، ثبات بین‌المللی و رژیم جهانی منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای ایجاد کرده است. ریشه تاریخی فعالیت‌های هسته‌ای کره شمالی را می‌توان در اوایل قرن بیستم جستجو کرد، اما پس از جنگ کره (۱۹۵۰-۱۹۵۳) شتاب بیشتری گرفت. پس از جنگ، کره شمالی استراتژی خوداتکایی نظامی (Juche^۱) را دنبال کرد و در دهه ۱۹۶۰، توسعه برنامه هسته‌ای خود را آغاز کرد. اولین رآکتور هسته‌ای کره با کمک شوروی ساخته شد و در اواخر دهه ۱۹۸۰، شروع به توسعه پلوتونیوم با درجه تسلیحات کرد. در سال ۱۹۹۴، چارچوب توافق شده بین آمریکا و کره شمالی باهدف توقف برنامه هسته‌ای کره شمالی در ازای دریافت کمک بود. بااین حال، این توافق در اوایل دهه ۲۰۰۰ از بین رفت و منجر به خروج کره شمالی از معاهده منع

۱) ایده جوچه، ایدئولوژی دولتی کره شمالی و ایدئولوژی رسمی حزب کارگران کره است.

گسترش سلاح‌های هسته‌ای و اولین آزمایش هسته‌ای آن در سال ۲۰۰۶ شد (Sipri, 2024). کره شمالی در دوران جنگ سرد با حمایت شوروی توانست به تحکیم موقعیت داخلی خود بپردازد؛ اما با فروپاشی شوروی شرایط بین‌المللی هم دگرگون شده و کره ناگزیر شد برای مواجهه با چالش‌های امنیتی، حفظ بقای خود در پی تغییر شرایط نظام بین‌المللی و ظهور تهدیدهای فزاینده علیه خود، دستیابی به سلاح هسته‌ای را در اولویت خود قرار دهد. پیونگ‌یانگ در اهداف خود در دستیابی به سلاح هسته‌ای، علاوه بر مقابله با تهدیدهای آمریکا و بازدارندگی، به دنبال افزایش توانایی در چانه‌زنی بود تا بتواند در قالب قرارداد منع تجاوز و منابع سوختی در ازای گرفتن ضمانت‌های امنیتی، از برنامه هسته‌ای خود دست بکشد (Dehshiri et al., 2019, pp. 61–62).

کره شمالی موشک‌های بالستیک کوتاه‌برد و میان‌برد خود را توسعه داده است که می‌تواند به اهدافی در سراسر شمال شرق آسیا از جمله کره جنوبی و ژاپن برسند. پیچیدگی روزافزون این سیستم‌ها تهدیدی مستقیم برای متحدان ایالات متحده در منطقه است و نگرانی‌هایی را در مورد درگیری‌های احتمالی در کشورهای منطقه ایجاد می‌کند. تهدید هسته‌ای کره شمالی پیامدهای مهمی برای جنوب شرقی آسیا و منطقه هند و اقیانوس آرام دارد. کشورهای مانند کره جنوبی و ژاپن مستقیماً توسط توانایی‌های موشکی کره شمالی تهدید می‌شوند و آنها را وادار می‌کند تا اقدامات دفاعی خود را افزایش دهند. کره جنوبی هزینه‌های نظامی خود را افزایش داده و به دنبال سیستم‌های دفاعی پیشرفته‌ای مانند سیستم دفاع منطقه‌ای ترمینال ارتفاع بالا (THAAD) ساخت ایالات متحده است (IISS, 2019).

اقدامات کره شمالی به یک مسابقه تسلیحاتی منطقه‌ای منجر شده است و این می‌تواند پویایی امنیت منطقه‌ای را از بین برده و منجر به افزایش تنش در میان کشورهای همسایه شود. تلاش‌های بین‌المللی برای مقابله با تهدید هسته‌ای کره شمالی شامل تحریم‌ها، مذاکرات دیپلماتیک و آمادگی نظامی است. شورای امنیت سازمان ملل تحریم‌های متعددی را باهدف محدود کردن برنامه هسته‌ای کره و دسترسی این کشور به منابع لازم برای توسعه تسلیحات، وضع کرده است. ابتکارات دیپلماتیک، از جمله مذاکرات شش‌جانبه شامل کره جنوبی، کره شمالی، ژاپن، چین،

1 Terminal High Altitude Area Defense

روسیه و ایالات متحده، باهدف یافتن راه‌حلی مسالمت‌آمیز برای بحران بوده است (Taim, 2024).

۶-۱-۱-۲ قاطعیت چین در اختلافات ارضی

قاطعیت چین در مناقشات ارضی در هند و اقیانوسیه و آسیای جنوب شرقی با ترکیبی از گسترش حضور نظامی، مانورهای دیپلماتیک و نفوذ اقتصادی مشخص می‌شود. طبق سندی که پنتاگون منتشر کرده است ارتش چین با قاطعیت در پی اعمال منافع امنیتی و دریایی و حاکمیت ملی خود است و قابلیت‌های نظامی خود را به گونه‌ای افزایش داده است که جنگنده‌های رادار گریز J-20 می‌توانند برای جنگنده‌های F-22 آمریکایی چالش آفرین باشد. به‌علاوه در حوزه دریایی، چین توانسته کشتی‌های جنگی پیشرفته‌ای را به ناوگان دریایی خود اضافه کرده و یک پایگاه دریایی را به شکل رسمی در جیبوتی افتتاح کند (Baghi, 2019).

دریای چین جنوبی دارای ۶ مدعی اصلی است که شامل چین، مالزی، برونئی، تایوان، فیلیپین و ویتنام است. اولین اختلاف در مورد حاکمیت بر جزایر «پرسل»^۱ میان تایوان، ویتنام و چین است که از ۱۹۷۴ تحت حاکمیت چین قرار دارد. دومین مسئله در مورد جزایر «اسپراتلی»^۲ است که مجدداً تایوان، ویتنام و چین ادعای حاکمیت بر سراسر این جزایر را ادعا می‌کنند. طبق اظهارات مقامات آمریکایی، اغلب قلمروهایی که چین بر آنها ادعای حاکمیت دارد در مناطق انحصاری اقتصادی دیگر کشورها تداخل دارد. مسئله دیگر، ساخت جزایر مصنوعی توسط چین در دریای جنوبی است. آمریکا احتمال می‌دهد چین به جهت اعمال حاکمیت مضاعف بر این مناطق، دست به این کار زده باشد (Dehshiri, Jozani Kahan, & Jozani Kahan, 2019, pp. 49–55). ابتکار کمربند و جاده چین، ابزار دیگری است که از طریق آن به دنبال گسترش نفوذ خود در منطقه است. چین با سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیرساختی در سراسر آسیای جنوب شرقی قصد دارد وابستگی‌های اقتصادی را تقویت کند که این می‌تواند به حمایت سیاسی از ادعاهای سرزمینی آن تبدیل شود. این استراتژی نگرانی‌هایی را در میان قدرت‌های منطقه‌ای و ایالات متحده در مورد نیات بلندمدت چین در اقیانوس هند و اقیانوس آرام ایجاد کرده است. گفتگوی چهارجانبه امنیتی،

۱ جزایر پرسل یا پاراسل (Paracel Island) یک مجمع‌الجزایر که در دریای جنوبی چین واقع شده است.

۲ جزایر اسپراتلی (Spratly): مجموعه‌ای از ۱۴ جزیره در دریای جنوبی چین است.

متشکل از ایالات متحده، ژاپن، هند و استرالیا، به عنوان یک مجمع استراتژیک باهدف تضمین یک ((منطقه هند و اقیانوس آرام آزاد و باز)) ظهور کرده است (Samantha, Wong, 2021). ایالات متحده همچنین بر تعهد خود به دفاع از متحدان در منطقه، اجرای عملیات آزادی ناوبری (FONOPS)^۱ برای به چالش کشیدن ادعاهای چین، تأکید کرده است. این عملیات شامل عبور کشتی های نیروی دریایی از طریق آب های مورد مناقشه برای احقاق حقوق بین المللی تحت کنوانسیون سازمان ملل در مورد حقوق دریاها (UNCLOS)^۲ است.

۶-۱-۲ استراتژی های ژئوپلیتیکی

۶-۱-۲-۱ مقابله بانفوذ قدرت های دیگر (مانند روسیه)

اگرچه بیشتر سیاست خارجی روسیه معطوف به خاورمیانه، آفریقا و از فوریه ۲۰۲۲، اوکراین بوده است، اما اخیراً نشان داده که همچنان در منطقه هند و اقیانوس آرام حضور پررنگی دارد. نفوذ روسیه در اقیانوس هند و اقیانوس آرام بسیار کمتر از چین و ایالات متحده است؛ مسکو به جز اینکه یک تأمین کننده بزرگ تسلیحات و انرژی است، مواد مشخصی برای ارائه به کشورهای هند و اقیانوس آرام ندارد. در دهه گذشته، تلاش های روسیه برای چرخش به آسیا با بدتر شدن روابط با غرب، قوت گرفت. درحالی که تمرکز این تعامل بر آسیا و اقیانوسیه و معماری منطقه ای موجود آن بوده است، چین به عنوان مهم ترین شریک روسیه ظاهر شده است. روابط چین و روسیه به طور فزاینده ای شامل زمینه های کلیدی همکاری و همگرایی، به ویژه در مورد سیاست های طراحی شده برای مخالفت با ایالات متحده است. با این حال، روسیه سیاست منطقه ای گسترده تری را با کشورهای کلیدی آسیایی از جمله هند، ایجاد کرده است تا از وابستگی بیش از حد به چین جلوگیری کند (Cohen, 2024). پوتین و شی، شراکت راهبردی «بدون محدودیت» خود را تقویت کردند و این نشان دهنده آن است که پکن به کمک اقتصادی مسکو به ویژه در دوزدن تحریم های تحت رهبری آمریکا ادامه خواهد داد. علاوه بر چین، کره شمالی به عنوان یک شریک استراتژیک روسیه نیز ظاهر شده است. در ژوئن ۲۰۲۴، برای اولین بار از سال ۲۰۰۰، پوتین برای دیدار با کیم جونگ اون، از پیونگ یانگ بازدید کرد. این دو رهبر، پیمان دفاعی ۱۹۶۱ را احیا

1 Freedom of Navigation Operations

2 United Nations Conventions on the Law of the Sea

کردند که در آن هر کشور متعهد شدند که «همه وسایلی را که در اختیار دارند بدون تأخیر» مستقر کنند و در صورت تهاجم به یکی از آنها «کمک‌های نظامی و دیگر کمک‌ها» ارائه کنند. یکی از دیگر شرکای استراتژیک روسیه در جنگ سرد، هند است. موضع سنتی دهلی‌نو مبنی بر عدم تعهد سخت‌گیرانه در سیاست خارجی در سال‌های اخیر جای خود را به تقویت روابط استراتژیک با ایالات متحده برای کمک به مقابله با چین داده است؛ به‌ویژه پس از تهاجم روسیه به سرزمین‌های تحت کنترل هند در امتداد مرز مورد مناقشه در سال ۲۰۲۰، هند در روابط خود با طرفین جانب احتیاط را رعایت خواهد کرد. با تهاجم روسیه به اوکراین، این اجلاس روی موضوعی که پیشرفت‌ها در تجارت، امنیت، کشاورزی، فناوری و نوآوری را مورد توجه قرار می‌دهد. در نهایت، مشارکت هند و اقیانوس آرام و عدم مشارکت در نشست صلح اوکراین در ژوئن، تداوم نفوذ روسیه در منطقه را به نمایش گذاشت (Cohen, 2024). نتیجه آنکه روسیه به طور فزاینده‌ای خود را برای ایفای نقش یک بازیگر استراتژیک در منطقه قرار می‌دهد. مسکو که هر چه بیشتر خود را با کره شمالی و چین همسو می‌کند، فرصتی را برای حمایت نظامی از هر دو کشور در هر حمله احتمالی به کره جنوبی یا تایوان به ترتیب ایجاد می‌کند، حتی اگر در حال حاضر این نوار برای مسکو بسیار بالا باشد (Cohen, 2024).

۶-۱-۲-۲ حفظ رهبری ایالات متحده در نظم بین‌المللی

در پی جنگ سرد، ایالات متحده به‌عنوان قدرت برتر جهانی ظاهر شد و هنجارها و نهادهای بین‌المللی را شکل داد. ظهور چین، احیای مجدد روسیه و ظهور قدرت‌های جدید در آسیا موجب تغییر استراتژیک در سیاست خارجی ایالات متحده شده است. محور اصلی این ارزیابی مجدد، سیاست چرخش به آسیا است که هدف آن تقویت رهبری ایالات متحده در نظم بین‌المللی با تمرکز بر تعامل اقتصادی، دیپلماتیک و نظامی در منطقه آسیا - اقیانوسیه است. چرخش به آسیا، برخاسته از شناخت این موضوع است که آسیا نه تنها یک نیروگاه اقتصادی بلکه منطقه‌ای با اهمیت استراتژیک است. (Clinton, 2011).

ایالات متحده با سازمان‌های منطقه‌ای مانند آسه‌آن، برای تقویت روابط دیپلماتیک و مقابله با چالش‌های مشترک مانند امنیت دریایی و مبارزه با تروریسم تعامل داشته است. مانورهای نظامی با

مشارکت متحدان بر تعهد به دفاع جمعی و بازدارندگی در برابر متجاوزان بالقوه تأکید کرده است. ایالات متحده تمرکز خود را بر افزایش قابلیت‌ها در زمینه‌هایی مانند جنگ سایبری و سیستم‌های دفاع موشکی افزایش داده است، زیرا درگیری‌های مدرن ممکن است شبیه جنگ سنتی نباشد (Office of the Secretary of Defense, 2012). با وجود موارد فوق، ظهور چین، چالشی چندوجهی را به همراه دارد که رقابت اقتصادی، قاطعیت نظامی در دریای چین جنوبی و تفاوت‌های ایدئولوژیک در مورد حکومت و حقوق بشر را در بر می‌گیرد. همان‌طور که پویایی جهانی همچنان در حال تغییر است، حفظ رهبری در نظم بین‌الملل نیازمند رویکردی است که منافع رقیب را متعادل و درعین حال همکاری میان متحدان را تقویت می‌کند (Rudd, 2019).

برخی به ظهور چین اعتقاد دارند؛ اما آن را به عنوان چالشی که مانند نازیسم و کمونیسم پیروز خواهد شد، تنزل می‌دهند. دلیل دیگر این واقعیت است که چرخش به جای تلاش برای مدیریت افول، به عنوان راهی برای اولویت‌دادن به برنامه‌های داخلی برای هدف رهبری بین‌المللی، به جای هژمونی مانند قبل از جنگ ویتنام، چالشی برای انحطاط ایجاد کرد (Kagan, Joffe: 2013). اما دانشمندانی مانند نای بین افول مطلق و نسبی تفاوت قائل می‌شوند و سعی می‌کنند دومی را که شکافی بین ایالات متحده و چین است، توجیه کنند. کاهش شکاف لزوماً به این معنی نیست که چین از ایالات متحده پیشی خواهد گرفت، اما در واقع نوعی کاهش نسبی ضمنی را آشکار می‌کند، این واقعیت که ایالات متحده باید قدرت را با بقیه از طریق قدرت هوشمند تقسیم کند (Nye, 2012). اکثریت محققین معتقدند که افول نسبی ایالات متحده امری مطلق نیست. آمارها واقعیت افول نسبی ایالات متحده را نشان می‌دهد. در سال ۲۰۱۶، اقتصاد ایالات متحده در موقعیت قوی قرار داشت، برای مثال تولید ناخالص داخلی در ایالات متحده ۲۰ تریلیون دلار در مقابل ۱۳ تریلیون دلار در چین بود، در تجارت، کسری تجاری ایالات متحده ۵۳۲ میلیارد دلار است، با مقدار قابل توجهی وابستگی به چین و ژاپن که هر دو دارای ۲,۴ تریلیون دلار در خزانه‌های ایالات متحده هستند که نشانه ضعف ایالات متحده است (Hosseini, Mousavi, Khoush Heikal, 2018).

چیزی که روشن است، رشد چین اجتناب‌ناپذیر بوده و آمریکا در تلاش است تا به آن شکل ببخشد. در ابعاد نظامی، چین می‌خواهد با به‌رخ کشیدن قدرت نظامی خود این پیام را به جهان

مخابره کند که دوران نادیده گرفتن پکن به پایان رسیده است (Baghi, 2019). طبق ارزیابی‌ها علی‌رغم اینکه امکان دارد تا سال ۲۰۴۰ چین به لحاظ اقتصادی از آمریکا پیشی بگیرد؛ اما از نظر قدرت نظامی، تأثیرگذاری فرهنگی و مهارت‌های فناوری و تکنولوژی فاصله قابل توجهی با آمریکا خواهد داشت (Nye, 2016).

۶-۲-۱ جزای کلیدی سیاست چرخش به آسیا

ایالات متحده یک از بازیگران مهم در منطقه هند و اقیانوس آرام است. این منطقه بیش از نیمی از جمعیت جهان را در خود جای داده است و ۶۰ درصد تولید ناخالص داخلی جهانی و همچنین دو سوم رشد اقتصادی جهانی را به خود اختصاص داده است. تجارت بین ایالات متحده و منطقه هند و اقیانوس آرام در سال ۲۰۲۲ به بیش از ۲ تریلیون دلار رسید و ایالات متحده از ۹۵۶ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از اقیانوس هند و اقیانوس آرام سود می‌برد (White House, 2022).

استراتژی هند و اقیانوسیه در سال‌های اخیر نه تنها نشان‌دهنده رهبری آمریکا، بلکه سطح بی‌سابقه همکاری با متحدان را در سراسر منطقه برای مقابله با چالش‌های جهانی و مواجهه با چالش‌های ژئوپلیتیکی نشان داده است. همان‌طور که همکاری آمریکا برای پیشبرد ارزش‌ها و منافع مشترک خود افزایش یافته است، چالش‌های آن نیز روبه‌رشد است. از طرفی چین در تلاش برای تغییر نظم بین‌المللی و کره شمالی به گسترش برنامه هسته‌ای و موشک‌های بالستیک خود ادامه می‌دهد. در مواجهه با بسیاری از چالش‌ها، آمریکا در حال تقویت شبکه مشارکت‌ها و اتحادهای خود، ایجاد ائتلاف و تعمیق تعامل خود در نهادهای چندجانبه برای پاسخگویی به چالش‌ها است (Office of the Spokesperson, 2024).

۶-۲-۱ موازنه و حضور نظامی

اولویت‌های نظامی و امنیتی آمریکا در منطقه عبارت است از چین، تسلیحات هسته‌ای کره شمالی، همکاری امنیتی میان چین، روسیه، کره شمالی و در نهایت مسئله تایوان است که می‌تواند یکی از چالش‌های آینده در این منطقه باشد. یکی از ابعاد اصلی استراتژی ایالات متحده در چرخش خود به شرق آسیا در بعد نظامی ایجاد زمینه همکاری در میان شرکا در منطقه هند و

اقیانوس آرام است (Kim, 2022). آمریکا انتظار دارد تا متحدان خود بتوانند مسئولیت بیشتری را پس از بحران مالی آمریکا پذیرا باشند. آمریکا تلاش می‌کند با شرکا و متحدان خود در این منطقه کار کرده و ظرفیت‌های دریایی آنان را تقویت کند. دیگر اقدامات شامل به‌روزرسانی تمرینات و مانورهای مشترک، به‌وجود آوردن قابلیت تعامل متقابل مضاعف، آگاهی در حوزه دریایی و توسعه قابلیت‌های امنیت دریایی و عملیات یکپارچه‌تر است. ایجاد ظرفیت جمعی قوی مهم‌ترین هدف از اقدامات فوق برای به‌کارگیری توانایی‌های دریایی به شکلی مؤثرتر است (Dehshiri & Jozani Kahan Brothers, 2019, p. 160).

از آنجا که پیش‌بینی می‌شود در دهه آینده در قرن بیست و یکم، چین در برخی زمینه‌ها تبدیل به یک قدرت مسلط و رقیب آمریکا شود و خط‌مشی جدیدی را در محیط امنیتی پیرامون خود ایجاد می‌کند، مسائل فوق باعث شد تا ایالات متحده در واکنش خود نسبت به قدرت رو به ظهور چین، موازنه سازی سخت را نیز در اولویت‌های خود داشته باشد؛ موازنه سازی سخت یا موازنه سازی نظامی باهدف افزایش قدرت نسبی یک کشور در برابر کشور تهدیدآمیز و قدرتمند دیگر است و این می‌تواند از طریق ایجاد توانمندی‌های نظامی داخلی یا تشکیل اتحادها و ائتلاف‌های خارجی باشد. استراتژی‌هایی که ایالات متحده در قبال مهار چین و امنیت در جنوب شرق آسیا و هند و اقیانوس آرام اتخاذ کرده است، شامل فروش تسلیحات، موافقت‌نامه‌های امنیتی دو و چندجانبه با دولت‌های منطقه و ایجاد پایگاه‌های نظامی در کشورهای منطقه است که در ادامه به آن پرداخته شده است (Hemati, 2018, pp. 131–133).

اگرچه بسیاری از تحلیل‌های نظامی می‌گویند توازن مجدد ایالات متحده در آسیا بر تغییرات در استقرار نیروهایش در منطقه آسیا و اقیانوسیه متمرکز شده است، این تعادل، شامل تلاش‌های فزاینده برای توسعه قابلیت‌های جدید برای حفظ دسترسی به این منطقه است. قابلیت‌های جدید شامل ابتکارات هدفمند برای شکست قابلیت‌های دسترسی ناپذیری/جلوگیری از دسترسی^۱ منطقه و افزایش تأکید بر دفاع سایبری و توانایی حفظ عملیات در یک محیط فضایی و رقابتی است. حضور نظامی قوی‌تر آمریکا در آسیا «از نظر جغرافیایی توزیع شده، از نظر عملیاتی انعطاف‌پذیر و

۱ دسترسی ناپذیری/جلوگیری از دسترسی (Anti-access/area denial) با حروف اختصاری A2/AD : استراتژی جنگی برای کنترل دسترسی به یک محیط عملیاتی و داخل آن است.

از نظر سیاسی پایدار» است. این حضور شامل انتقال برخی از پیشرفته‌ترین دارایی‌های هوایی و دریایی ایالات متحده به منطقه آسیا و اقیانوسیه یا پایگاه‌های ایالات متحده در منطقه می‌شود. نیروهای ارتش آمریکا سالانه در بیش از ۱۵۰ رزمایش خدماتی در منطقه آسیا و اقیانوسیه شرکت می‌کنند. این اقدامات با تلاش‌ها برای انتقال ظرفیت و سرمایه‌گذاری نظامی ایالات متحده به منطقه آسیا اقیانوسیه پشتیبانی می‌شوند و شامل قابلیت‌های هوایی و زمینی، نیروهای عملیات ویژه، و دارایی‌های اطلاعاتی، نظارتی و شناسایی می‌شوند. در مجموع، این اقدامات دیپلماتیک، اقتصادی و نظامی نشان‌دهنده افزایش چشمگیر توجه استراتژیک واشنگتن به منطقه آسیا اقیانوسیه است که با تعهدات قابل توجهی از منابع همراه بوده است (Saunders, 2015: 7_9).

۷- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

تأکید استراتژی چرخش بر هر دو، اقتصاد و امنیت به عنوان یک بسته است که هر کدام دیگری را تقویت می‌کردند و به نیاز دیگری نیاز داشتند؛ در اهداف محوری، اقتصاد و ارتش قوی مهم هستند و ارزش‌ها در یک واکنش عمل‌گرایانه، غیرایدئولوژیک، صبورانه و انعطاف‌پذیر قرار دارند، به‌ویژه زمانی که چین به‌سختی به دنبال تضعیف نظام‌های حکومتی دموکراتیک به شیوه‌ای شبیه به اتحاد جماهیر شوروی یا چین انقلابی در زمان مائو است. ایالات متحده به آسیا پیامدهای گسترده‌ای در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، امنیتی و دیپلماتیک داشته است:

از نظر پیامدهای اقتصادی، این محور منجر به افزایش تعامل اقتصادی در آسیا شده است، همان‌طور که با تلاش‌هایی مانند توافق تجارت آزاد آمریکا و کره و مشارکت ترانس پاسیفیک مشهود است. با این حال، این تمرکز اقتصادی بر آسیا خطر تبدیل منطقه را به یک مرکز هزینه برای ایالات متحده از نظر تعهدات امنیتی می‌کند، درحالی‌که چین همچنان از تعامل گسترده خود در منطقه از لحاظ اقتصادی سود می‌برد.

از نظر پیامدهای سیاسی، این محور باعث ارزیابی مجدد نفوذ و حضور ایالات متحده در سایر مناطق، به ویژه خاورمیانه شده است. این امر منجر به تغییر در پویایی قدرت منطقه‌ای شده است و کشورهای خاورمیانه به دنبال استقلال بیشتر و راه‌حل‌های داخلی برای ثبات منطقه هستند.

در مورد پیامدهای امنیتی نیز، این استراتژی نگرانی‌هایی را در مورد افزایش بالقوه و ایجاد انتظاراتی ایجاد کرده است که واشنگتن ممکن است نتواند آنها را برآورده کند. این سیاست‌ها، تنش‌ها با چین را افزایش داده است و به طور بالقوه منجر به روابط متخاصم‌تر ایالات متحده و چین می‌شود. این محور تعهد ایالات متحده به سایر مناطق را کاهش داده است و به طور بالقوه قدرت‌های منطقه‌ای را برای اقدام مستقل تر تشویق می‌کند.

و در نهایت، پیامدهای دیپلماتیک این محور منجر به تنظیم مجدد تلاش‌های دیپلماتیک با تمرکز بیشتر بر ایجاد و تقویت اتحادها در آسیا شده است. اساساً استراتژی گردش به شرق، منجر به کاهش تعامل دیپلماتیک در خاورمیانه شده است که منجر به عادی‌سازی تلاش‌ها بین منتقدین نظم آمریکایی در منطقه شده است. این استراتژی چالش‌هایی را در ایجاد توازن در روابط با چین و سایر کشورهای آسیایی ایجاد کرده است، زیرا بسیاری از کشورها مایل به حفظ روابط خوب با هر دو قدرت هستند.

در پایان، درحالی که چرخش ایالات متحده به آسیا موقعیت آمریکا را در منطقه آسیا اقیانوسیه تقویت کرده است، چالش‌ها و پویایی قدرت جدیدی را در سطح جهانی ایجاد کرده است. این سیاست منجر به هم‌سویی مجدد اتحادها، تغییر اولویت‌های اقتصادی و تغییر ادراک امنیتی شده است. با این حال، موفقیت این استراتژی منوط به توانایی ایالات متحده برای مقابله با چالش‌های مالی داخلی و حفظ تعادل در روابط خود با چین و دیگر قدرت‌های منطقه است. پیامدهای بلندمدت این محور همچنان آشکار می‌شود و چشم‌انداز ژئوپلیتیک جهانی تغییر شکل می‌دهند. از پیامدهای ملموس اقدامات موازنه و تهدیدآمیز آمریکا علیه چین، کاهش رشد اقتصادی چین و افزایش رشد اقتصادی آمریکا است. اما با در نظر داشت که سیاست چرخش به آسیا در مناطق حساس مانند شبه جزیره کره یا دریای چین جنوبی اثرات آنی نمی‌تواند داشته باشد؛ ایالات متحده در صورتی که قصد به دست آوردن منافع بیشتری را داشته باشد می‌بایستی، ضمن

آنکه از خیزش چین به عنوان یک رقیب استراتژیک در آسیا جلوگیری می کند، با این کشور، تعامل و همکاری نیز داشته باشد. در پایان پیشنهاد می شود سیاست چرخش به آسیای آمریکا در محوری بررسی شود که اثرات آن را بر سیاست های آمریکا در خاورمیانه و در قبال ایران مورد ارزیابی قرار گیرد. بایستی تجزیه و تحلیل شود که آمریکا با متمرکز کردن توجهات و ظرفیت های خود در شرق آسیا، چگونه می تواند تحولات غرب آسیا را رصد و مدیریت نماید.

۸- تضاد منافع

تعارض منافع ندارم.

۹- قدردانی

از استاد راهنمای خود، جناب آقای دکتر امینیان کمال تشکر را دارم و همچنین از فصلنامه آفاق امنیت در حمایت و انتشار این مقاله کمک شایانی نمودند، سپاسگزارم.

References

1. Amidi, A. (2009). *Regionalism in Asia: A look at ASEAN, SAARC, and ECO organizations*. Ministry of Foreign Affairs, Center for Political and International Studies. Tehran: Ministry of Foreign Affairs. (In Persian).
2. AP News. (2024). South Korea and US will start summer military drills next week to counter North Korean threats. <https://apnews.com/article/south-korea-us-military-drills-north-korea-nuclear-d51ada6ac429757378322f8dcd209b15>
3. Asia Unbound. (2012). *The U.S. pivot to Asia: Much more than a military rebalance*. Council on Foreign Relations. <https://www.cfr.org/blog/us-pivot-asia-much-more-military-rebalance>
4. Baghi, M. H. (2019). *The China puzzle: Geopolitical rivalries in the 21st century and the shifting balance of power in East Asia*. Tehran: Amin Al-Zarb Publishing. (In Persian).
5. Campbell, K. (2016a). *The pivot: The future of American statecraft in Asia*. Hachette Book Group.

6. Carothers, T. (2012, January 11). *Democracy policy under Obama: Revitalization or retreat?* Carnegie Endowment for International Peace. <https://carnegieendowment.org/research/2012/01/democracy-policy-under-obama-revitalization-or-retreat?lang=en>
7. Center for Energy and Security Studies (CENESS) & International Institute for Strategic Studies (IISS). (2019). *DPRK strategic capabilities and security on the Korean Peninsula: Looking ahead*.
8. Clinton, H. (2011). *The Hillary Clinton doctrine*. *Foreign Affairs*. Retrieved [Insert retrieval date if required], from <https://www.foreignaffairs.com/united-states/hillary-clinton-doctrine>
9. Cohen, A. (2024, July 9). Russia is a strategic spoiler in the Indo-Pacific. RAND Corporation. <https://www.rand.org/pubs/commentary/2024/07/russia-is-a-strategic-spoiler-in-the-indo-pacific.html>
10. Council on Foreign Relations. (2024). *The U.S. pivot to Asia, with Robert D. Blackwill and Richard Fontaine* [Audio podcast]. <https://www.cfr.org/podcasts/us-pivot-asia-robert-d-blackwill-and-richard-fontaine>
11. Dehghani Firouzabadi, S. J. (2015). *Principles and fundamentals of international relations (Vol. 1)*. Tehran: SAMT. (In Persian).
12. Dehshiar, H. (2021). *U.S. foreign policy in theory and practice*. Tehran: Mizan. (In Persian).
13. Dehshiri, M. R., Jozani Kahan, Sh., & Jozani Kahan, Sh. (2019). *The evolution of U.S. foreign policy in East Asia in the 21st century*. Tehran: Sarv Andisheh. (In Persian).
14. Ghavvam, S. A. (2021). *Principles of foreign policy and international politics*. Tehran: SAMT. (In Persian).
15. Haass, R. N. (2021). *U.S. policy toward the Indo-Pacific: The case for a comprehensive approach* [Prepared statement]. Council on Foreign Relations.
16. Hosseini, H., Mousavi, M., & Khoush Heikal, M. (2018). Obama's pivot to Asia policy (2011–2016): The case of China. *Journal of Sociopolitical Studies*, 2(4), 633–674.
17. Jamshidi, M., & Yazdanshenas, Z. (2023). *The U.S. Asian strategy shift and containing China*. Center for Political and International Studies. Tehran: Ministry of Foreign Affairs. (In Persian).
18. Khan, Z., & Amin, F. (2015). 'Pivot' and 'rebalancing': Implications for Asia-Pacific region. *Policy Perspectives*, 12(2). <https://doi.org/10.13169/polipers.12.2.000>
19. Kim, Y. J., & Pasha, A. K. (2022). The U.S. military-security strategy in the pivot to East Asia. Iranian Institute for European and American Studies. <https://ruoz.ir/ldbdaq>. (In Persian).
20. Kurlantzick, J. (2015, January 7). *The pivot in Southeast Asia: Balancing interests and values*. Council on Foreign Relations. <https://www.cfr.org/report/pivot-southeast-asia>.

21. McBride, J., Chatzky, A., & Siripurapu, A. (2020, November 19). *What's next for the Trans-Pacific Partnership (TPP)?* Council on Foreign Relations. <https://www.cfr.org/backgrounder/what-trans-pacific-partnership-tpp>
22. Nye, J. (2012, October 8). Declinist pundits: America may not actually be declining, but those predicting it are ascending. *Foreign Policy*. <https://foreignpolicy.com/category/argument/>
23. Nye, J. S. (2016). *Is the American century over?* (G. Alibabayi, Trans.). Tehran: Akhtaran. (Original work published 2015)
24. Obama, B. (2011, November 17). *Remarks by President Obama to the Australian Parliament*. Retrieved from <https://obamawhitehouse.archives.gov/...press...>
25. Office of the Spokesperson. (2024, February 9). *The United States' enduring commitment to the Indo-Pacific: Marking two years since the release of the administration's Indo-Pacific strategy*.
26. Rudd, K. (2019). *The future of U.S.-China relations*. Brookings Institution.
27. Saunders, P. C. (2013). *The rebalance to Asia: U.S.-China relations and regional security* (No. 281). Institute for National Strategic Studies.
28. Sazmand, B., Azimi, A., & Nazari, A. A. (2010). Waltz's balance of power theory: A critique and assessment of its effectiveness in the contemporary era. *Foreign Relations*, 2(8), 251–274. <https://sid.ir/paper/167003/fa>. (In Persian).
29. Statista. (2024). *United States direct investments in the Asia Pacific region from 2000 to 2019*. Retrieved September 23, 2021, from <https://www.statista.com/statistics/188604/united-states-direct-investments-in-the-asia-pacific-region-since-2000/>
30. Stockholm International Peace Research Institute (SIPRI). (2024, April). *The trends in world military expenditure in 2022* [Fact sheet]. <https://doi.org/10.55163/PNVP2622>
31. Taim, A. (2024, July). Deciphering consistency and coherence in U.S. foreign policy: North Korea under Trump and Biden. *Journal of International Relations*, 4(3), 35–56.
32. The Diplomat. (2018, September). *Xi Jinping and China-North Korea relations*. Retrieved from <https://thediplomat.com/2018/09/xi-jinping-and-china-north-korea-relations/>
33. The White House. (2017). *National security strategy*. U.S. Government Printing Office. <https://trumpwhitehouse.archives.gov/wp-content/uploads/2017/12/NSS-Final-12-18-2017-0905.pdf>
34. The White House. (2021). *Remarks by President Biden to a joint session of Congress*. <https://www.whitehouse.gov/briefing-room/speeches-remarks/2021/04/28/remarks-by-president-biden-to-a-joint-session-of-congress/>
35. U.S. Department of State. (2021). *Human rights reports*. U.S. Department of State. <https://www.state.gov/reports-bureau-of-democracy-human-rights-and-labor/>
36. U.S.-China Joint Glasgow Declaration on Enhancing Climate Action. (2021). *U.S.-China joint Glasgow declaration on enhancing climate action*.

- <https://www.state.gov/u-s-china-joint-glasgow-declaration-on-enhancing-climate-action/>
37. Vine, D. (2021). *Lists of U.S. military bases abroad, 1776–2021*. American University. <https://hdl.handle.net/1961/auislandora:94927>
38. Waltz, K. N. (1979). *Theory of international politics*. Addison-Wesley.
39. Wong, S. C. H. (2021). The Quad: A new strategic framework for the Indo-Pacific. *Journal of Indo-Pacific Affairs*.
40. Zarei, B., & Piltan, F. (2020). The strategic shift of the U.S. from the Persian Gulf to the Asia-Pacific region. *Siyasat (Political Science Journal of the Faculty of Law and Political Science)*, 50(1), 111–131. <https://sid.ir/paper/950872/fa>. (In Persian).

